



حیات طیب

هدف تربیت نهایی برنامه درسی ملی مهدی مروجی

اشاره

داده، همان پذیرش ایمان آنان و اثر اعمال صالحشان است که همان احیا حیات طیبه و اجر به احسن عمل است.^۲
- در مورد آیه فلنحیینه حیا طیبه، مفسر گرانسنگ المیزان در جلد ۱۲ صفحه ۴۹۱ می‌فرماید:
...خداوند مؤمنی را که عمل صالح انجام می‌دهد، با حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران داده است، زنده می‌کند.

در ادامه می‌فرماید: مقصود این نیست که خداوند حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات، همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد. اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: ما حیات او را طیب می‌کنیم. ولی این‌طور نفرموده، بلکه فرموده است: ما او را به حیات طیب زنده می‌سازیم. بنابراین می‌توان گفت، حیات طیبه با زندگی‌های معمولی تفاوت ماهوی دارد.

بدیهی است، هم‌چنان‌که زندگی معمولی فرد وقتی محقق می‌شود که نطفه‌اش رشد کند و به صورت جنین درآید، زندگی حقیقی (حیات طیبه) را هم که اشرف و کامل‌تر از این زندگی معمولی است، وقتی انسان به آن می‌رسد که استعدادش کامل و رسیده باشد. تحقق این

اصطلاح حیات طیبه برگرفته از قرآن کریم است که در سند برنامه درسی ملی دستیابی و تحصیل آن، به عنوان هدف نهایی نظام تعلیم و تربیت تعیین شده است و متریبان طبق این برنامه باید در هر لحظه به مراتبی از آن دست یابند. این مقاله در پی بیان ویژگی‌های این هدف است.

کلیدواژه‌ها: حیات، طیب، ایمان، عمل صالح، علم.

من عمل صالحا من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبه و لنجزینهم أجرهم باحسن ما كانوا یعملون [قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۹۷]: هر کس از مرد یا زن از روی آگاهی و یقین به دستورات الهی عمل صالح انجام دهد (مؤمن باشد)، آنان را به زندگی پاکیزه‌ای زنده می‌گردانیم و به چیزی بهتر از آن چه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهیم.

در جست‌وجوی معانی کلیدی آیه

حیات: به معنای جان انداختن در چیزی وافاضه حیات است به آن [المیزان، ج ۱۴: ۶].
طیب: طبع پسندی است و نقیض طیب، خبیث است. در این آیه، خداوند به زنان و مردان وعده نیکویی که

انتظار این است که نظام تعلیم و تربیتی که برنامه درسی ملی به عنوان طرح کلان آن است، باید زمینه‌ساز دستیابی متربیان به زندگی پاکیزه (حیات طیبه) باشد

زندگی که حیات طیبه نامیده می‌شود، افزون بر عوامل زمینه‌ساز زندگی معمولی، با توجه به آیه فوق‌الذکر، آراسته بودن انسان به دو عنصر «ایمان» (جنبه نظری و درونی) و «عمل صالح» (جنبه عملی و بیرونی) است.

منظور از آگاهی و ایمان، علم^۲ به اموری است که در تمامی امور و شئون، زندگی را هدایت می‌کند و انسان را به عمل صالح سوق می‌دهد. هم‌چنان که خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «أَوَمَن كَانَ مِيتًا فَحَيَّيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» [انعام/ ۱۲۲]: آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که در میان مردم آمد و شد کند، مثل کسی است که...؟

زنده شدن در این آیه، به این است که خداوند حیاتی ابتدایی و جدید و جداگانه افاضه می‌فرماید که یکی از آثار آن، نور علمی است که آدمی به وسیله آن به سوی حق راه می‌یابد و با اعتقاد به حق، به عمل صالح نایل می‌گردد. یعنی چنین زندگی به چنین علم و عملی نیازمند است و چنین علم و عملی مستلزم چنان زندگی است. در این نوع از زندگی، انسان جز به نور ایمان و روح عبودیت سیر نمی‌کند، هم‌چنان که فرمود: «اولئك كتب في قلوبهم الايمان و ايدهم بروح منه» [مجادله/ ۲۲].

بنابراین

۱. برای رسیدن به حیات طیبه باید هم افکار و عقاید درونی انسان اصلاح شود و هم اعمال و رفتار بیرونی او.

۲. «حیات طیبه» ای که خداوند به بندگان مؤمن و درست‌کردار وعده می‌دهد، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک‌اند، نیست؛ تنها اختلاف به مراتب است، نه به عدد.

پس کسی که از حیات طیبه برخوردار است، دو نوع زندگی ندارد، بلکه زندگی‌اش قوی‌تر، روشن‌تر، برتر و بارزتر از این زندگی عادی و طبیعی است که همه انسان‌ها آن را دارند. بنابراین، خداوند این حیات جدید و اختصاصی و آثار آن را فقط به کسانی که ایمان و عمل صالح دارند، افاضه می‌فرماید. بدیهی است که ارزش این زندگی به خاطر اثر آن است و آن عبارت است از دست یافتن به علم و ادراکی که دیگران آن را ندارند و برخوردار شدن از موهبتی که دیگران از آن برخوردار نیستند.

این علم و قدرت او را قادر می‌سازد اشیا را آن‌طور که هستند، ببیند. وقتی چنین شد، شایسته اعطای حیات طیبه از سوی خدا می‌شود و زندگی‌اش رنگ الهی به خود می‌گیرد و از هر آلودگی پاک می‌شود.

سند برنامه درسی ملی، بر این ادعاست که رویکرد حاکم بر کل برنامه‌های درسی آن، براساس رویکرد «فطرت‌گرایی توحیدی» تعیین شده است و برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. بنابراین، انتظار این است که نظام تعلیم



منظور از علم در اسلام نوری است که در اثر تابش آن انسان می‌تواند ویژگی‌های عمل صالح و حیات طیبه و چگونگی رسیدن به آن را درک کند

و تربیتی که این برنامه به طرح کلان آن است، زمینه‌ساز دستیابی متریبان به این زندگی پاکیزه (حیات طیبه) باشد؛ یعنی هم اصلاح درون متریبان را و جهت همت خود قرار دهد و هم اصلاح اعمال و رفتار بیرونی آن‌ها را. بدیهی است، وقتی چنین هدف ارزشمندی محقق خواهد شد که:

۱. معلمان محترم به عنوان باغبانان چنین بذرهایی، خود اهل ایمان و عمل صالح باشند. زیرا همه پیامبران که رسالت تعلیم و تربیت را داشتند، چنین بودند.
۲. برنامه‌ها، روش‌ها، محتواها و فعالیت‌ها طبق این رویکرد و براساس نظام معیار؛ همه در جهت رشد و شکوفایی و هدایت متریبان به منظور رسیدن به مراتبی از حیات طیبه، به فراخور توانایی‌ها و رغبت آن‌ها سازمان‌دهی شوند.
۳. طبق آیه شریفه فوق‌الذکر، عدالت آموزشی بین زن و مرد رعایت شود.

پی‌نوشت
۱. طیب در قرآن هم در وصف انسان آمده و هم در وصف غیرانسان. طیب در انسان آن است که از جهل و قبیح اعمال پاک و با ایمان و عمل صالح متجلی باشد. این چنین انسانی مورد پسند خداوند است: الذین تتوفاهم الملائکة طیبین یقولون سلام علیکم (نحل/ ۳۲) (قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۵۷).
۲. این تسویه میان زن و مرد، هشدار برای مکاتبی است که مرتبه زنان را از مردان پایین‌تر دانسته و آنان در وضعی قرار می‌دادند که قابل ارتقا نبوده است.

۳. منظور از علم در اسلام نوری است که در اثر تابش آن انسان می‌تواند ویژگی‌های عمل صالح و حیات طیبه و چگونگی رسیدن به آن را درک کند.

۴. حیات طیبه نه به‌عنوان شهری است که در درازمدت به آن خواهیم رسید (البته به عنوان هدف غایی باید برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کنیم). بنابراین در برنامه‌ریزی باید توجه شود که مربی و متربی هر دو در اجرا و قبل از اجرای هر برنامه‌ای، حضور خود را در مرتبه‌ای از مراتب آن احساس کنند.

با یاری خداوند، محصول چنین نظام و برنامه‌ای، افرادی مؤمن و دارای

